

عزیزالله تاجیک اسماعیلی

دروغگویی کودکان

مقدمه

اگر مشکلات و نگرانیهای والدین را در تربیت اخلاقی و شخصیتی کودکان فهرست کنیم، به طور قطع دروغگویی جزء مشکلات مهم و قابل توجه خواهد بود. مشکل دروغگویی کودکان از دوران طفولیت و از حدود ۳ سالگی به بعد برخی والدین را نگران می‌کند و این مشکل ممکن است درسالهای بعد نیز ادامه یابد و با شروع دوران مدرسه، گاه معلمان و والدین به طور مشترک از دروغگویی‌های کودکان شکایت دارند.

دروغگویی کودکان قبل از هر چیز در نظر اولیای خانه و مدرسه یک مشکل اخلاقی و تربیتی تلقی می‌شود و به همین خاطر در مواجهه با این رفتار نادرست، غالباً برزشتی و قیاحت اخلاقی آن تکیه می‌گردد، در حالی که اگرابعاد مختلف روانی، عاطفی، ذهنی و اخلاقی این مشکل رفتاری را با دقت بیشتر مورد بررسی قرار دهیم، ممکن است به راه‌حلهای متفاوت و مؤثرتری در برخورد با آن دست یابیم.

دروغ معمولاً بیانی خلاف واقع ویا کتمان یک واقعیت است. لذا باید بین این دو جنبه تمایز قایل شویم؛ چون بیان خلاف واقع ممکن است از روی عمد باشد ویا به واسطه عدم قدرت تشخیص واقعیت صورت گیرد. مثلاً کودکی ممکن است چهار کودک دیگر را در



عنوان مثال کودک ۵ ساله‌ای که در کوچه فردی شبیه یکی از دوستان پدر خود را دیده بود، وقتی به خانه آمد اصرار داشت که فلان دوست بابا را در کوچه دیده است، در حالی که شخص مذکور در شهری دیگر زندگی می‌کرد و پدر و مادر که می‌دانستند او درست نمی‌گوید، از ترس آنکه مبادا فرزندشان "انحراف اخلاقی" پیدا کند اصرار داشتند از او قول بگیرند که دیگر دروغ نگوید.

۲ - دروغهای تخیلی - یکی از انواع دروغگویی در کودکان بیان تخیلات و تصورات در قالب حوادث و وقایع موجود و واقعی است. این وضعیت معمولاً بعد از سنین ۴ - ۳ سالگی بروز می‌کند که کودکان به تدریج قادر می‌شوند تصورات و تخیلات ذهنی داشته باشند. معمولاً در چنین مواقعی کودکان خواستها و آرزوهای خود را نیز گاه به صورت واقعیات بیان می‌کنند. مشکل اصلی در این گونه کودکان آن است که قادر نیستند بین خیال و واقعیت، آرزوها و وقایع خارجی تمایز قائل شوند.

کوچه مشاهده کند و عده آنها را هفت نفر ذکر کند. یک دلیل این بیان غیر واقعی می‌تواند عدم قدرت تمیز او بین ۴ و ۷ باشد و دلیل دیگر آن باشد که او می‌خواهد بگوید عده بچه‌هایی را که دیده خیلی بوده، لذا آن را افزوتر از واقع بیان کند. بدیهی است که زمینه‌های ذهنی و پیامدهای رفتاری و تربیتی این دو بیان با یکدیگر تفاوت دارد.

کتمان واقعیت نوع دیگری از دروغگویی است که مستلزم تواناییهای ذهنی بیشتر در کودکان است و معمولاً از سنینی بروز می‌کند که کودک ضمن برخورداری از توان استفاده از برخی سمبل‌ها و علائم در افکار و اعمال خود، تجارب و یادگیریهای در این زمینه دارد و از پوشاندن یک واقعیت به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدفهایش بهره‌می‌گیرد. لذا والدین و مربیان بایستی قبل از هرگونه مواجهه با رفتار دروغگویی کودکان به بررسی و تحلیل زمینه‌های ذهنی و روانی این مشکل بپردازند.

انواع دروغگویی در کودکان

۳ - دروغ برای فرار و دفاع - گاه کودک برای رهایی از تنبیه و یا دفاع از خود در مقابل والدین یا معلمان مبادرت به دروغگویی می‌کند. این نوع دروغ که بعضاً ممکن است کتمان واقعیت باشد در آستانه سنین دبستان شکل می‌گیرد و در صورت وجود فشار و تهدید در محیط زندگی خانواده و مدرسه ممکن است در سالهای بعد نیز ادامه یابد و شکل‌های پیچیده‌تری نیز پیدا کند.

دروغهای کودکان انواع مختلفی دارد. این انواع بر حسب سن کودک و در نتیجه زمینه‌های روانی به وجود آورنده آنها متفاوت هستند. تفاوت بین انواع دروغگویی کودکان، شیوه‌های مقابله مختلفی را ایجاد می‌کند که ضمن بررسی خصوصیات این دروغها به آنها اشاره خواهد شد.

۱ - دروغهای مبهم - گاه کودک در اثر عدم آشنایی نسبت به آنچه اتفاق افتاده، ممکن است موضوعی را به شکل خلاف واقع بیان کند. به

۴ - دروغهای پوچ (چاخان) - یکی دیگر از

ذهنی کودک از بین می‌رود، لیکن اگر به علمی الگوهای رفتاری دروغ‌گویی در کودکان تقویت شود، ممکن است این مشکل ادامه پیدا کند و در سالهای بعد صورتهای دیگری به خود بگیرد.

۲- وجود فشار و تهدید در زندگی کودک - گاه کودک تحت فشار والدین و توقعات بیش از حد آنان، اتهام به خاطر رفتارهای خلاف یا ترس از تنبیه ممکن است مبادرت به دروغ‌گویی کند. والدینی که برای کنترل رفتار فرزندان از تهدید و تنبیه استفاده می‌کنند و یا هنگام تخلف کودک، او را به سختی مورد مؤاخذه و سرزنش قرار می‌دهند و همچنین والدینی که انتظارات فوق طاقیت کودک از او دارند ممکن است به استفاده از دروغ‌گویی برای فرار از این تهدیدها و فشارها دامن بزنند.

۳- وجود الگوهای دروغ‌گویی در زندگی کودک - معمولاً در خانواده‌هایی که پدر و مادر یا اعضای خانواده به طور معمول از شیوه دروغ‌گویی استفاده می‌کنند، رفتار دروغ‌گویی در کودکان رشد می‌یابد. وجود الگو در محیط خانواده باعث می‌شود کودک از این رفتار به عنوان یک روش مجاز برای مقابله با موانع استفاده کند. والدینی که خود در مقابل یکدیگر یا فرزندان مبادرت به دروغ‌گویی می‌کنند، بعد از مدتی غالباً از رفتارهای فرزند دروغ‌گویی خود در رنج هستند و یا روشهای فشار و تهدید در صدد تسلیم فرزند بر می‌آیند. در چنین مواقعی وجود یک دور باطل به صورت استفاده متقابل از روشهای متکی بر مکر و حيله و قلب واقیعات، اعضای خانواده، به ویژه والدین را

انواع دروغهای کودکان، چاخان کردن است که با هدف جلب توجه دیگران یا مطرح کردن خود انجام می‌گیرد. کودک ممکن است با قصد خودنمایی یا فریب دیگران داستانهای یا حوادثی را سرهم و بیان کند. در چنین مواقعی معمولاً گفته‌ها همراه با اغراق، هیجان و جنبه‌های عجیب و غریب است و گاه نیز خود کودک در مرکز حوادث قرار می‌گیرد.

دروغ‌گویی کودکان ممکن است در آن واحد ترکیبی از صورتهای فوق را داشته باشد و یا انگیزه‌های متعددی در ایجاد آن دخیل باشند. مثلاً کودک ممکن است در یک زمان به قصد فریب دیگران و نیز جلب توجه، مبادرت به دروغ‌گویی کند. شناخت این زمینه‌ها و عوامل اقدامی ضروری و مهم است.

عوامل دروغ‌گویی کودکان

دروغ‌گویی ممکن است عوامل متعددی در روابط خانوادگی و مدرسه‌ای کودک داشته باشد و یا محیط اجتماعی زمینه‌های ایجاد رویه دروغ‌گویی را فراهم کند. در اینجا برخی زمینه‌های مهم در ایجاد رفتار دروغ‌گویی را با تکیه بر محیط خانواده مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱- آمیختگی واقعیت و خیال در ذهن کودک - اغلب دروغهای کودکان در سنین طفولیت ناشی از عدم قدرت درک آنان نسبت به واقیعات و تمیز آنها از تخیلات ذهنی است. همراه با رشد ذهنی و رشد تخیل کودک، ممکن است این نوع از دروغ‌گوییها را در کودکان شاهد باشیم. بعضی از این دروغ‌گوییها با افزایش سن و رشد



نمی دانند، مشکلات عاطفی و روانی در آنان به وجود آید.

۴ - عدم اعتماد به نفس در کودک - کودکانی که از اعتماد به نفس کمی برخوردارند یا احساس حقارت و ناتوانی می کنند، ممکن است برای پوشاندن ضعفهای خود به دروغ متوسل شوند. این وضعیت در خانواده هایی به وجود می آید که والدین دارای چنین احساسی هستند و آن را به کودک منتقل می کنند و یا با رفتارهای سختگیرانه و مستبدانه فرصت اظهار نظر و ابراز وجود را از کودک می گیرند.

برخی اقدامات مفید در کاهش دروغگویی

کاهش و حذف دروغگویی کودکان مستلزم اقدامات و رفتارهایی است که در محیط خانه و مدرسه بایستی به طور جدی به کار بسته شود. اهم این اقدامات عبارتند از:

۲ - ارائه الگوهای راستگویی در محیط زندگی کودک - والدین و مربیان باید اکیداً از قولهای دروغ برای رهایی از خواستهها و انتظارات کودکان و یا کتمان مسائل از آنها بپرهیزند. دادن وعده های دروغ به ویژه می تواند به عنوان مجوزی برای استفاده از این شیوه در کودک محسوب شود. این وعده ها هر چند ممکن است در خردسالی منجر به دروغگویی های شدید و مکرر در کودکان نشود، لیکن بارشدهنی آنها، استفاده از این شیوه در آنان قابل انتظار است. در مواقعی که والدین نمی توانند مطلبی را به کودک بگویند بهتر است از دادن پاسخ به او خودداری کنند و حتی اگر لازم شد به او بگویند که نمی توانند در مورد سؤال یا

۱ - عدم اتهام دروغ گویی به کودکان خردسال - در صورتی که متوجه شویم دروغگویی کودک ناشی از عدم تشخیص او در مورد واقعیات و تصورات است، نباید او را متهم به دروغگویی کنیم و حتی از این عبارت برای توصیف رفتار او استفاده نماییم. در چنین مواقعی باید به طور غیر مستقیم و توضیح آنچه در ذهن کودک است و تفاوت آن با واقعیات به کودک کمک کنیم تا بتواند این دو جنبه را از یکدیگر تفکیک کند. القای احساس گناه به کودکان در هنگام بیان این نوع مسائل غیر واقعی ممکن است ذهن آنها را متوجه امکان استفاده از این شیوه برای تأثیر بر اطرافیان نماید و یا به واسطه احساس اضطراب و گناهی که دقیقاً علت آن را



لذا از توسل به شیوه‌های دروغ‌گویی و پنهان کاری پرهیز کند. به جای اعمال فشار بر کودک در قبول اشتباه یا جبران آن، والدین می‌توانند به بررسی زمینه‌هایی که منجر به بروز رفتار اشتباه و غلط کودک شده بپردازند و راههای مناسب برای جلوگیری از این وضعیت را به او بیاموزند.

۵- آموزشهای اخلاقی و دینی - این آموزشها، به ویژه همزمان با شروع دوره دبستانی می‌تواند در جلوگیری از دروغگویی مؤثر باشد. کودکان دبستانی آمادگی پذیرش قواعد و دستورهای اجتماعی و اخلاقی را دارند و آنها را در رفتارها و ارزیابیهای خود از وقایع محیط اطراف، به عنوان ملاک و معیار مورد استفاده قرار می‌دهند. وجود ارزشهای دینی و اخلاقی در خانه و مدرسه می‌تواند رفتارهای نادرست اخلاقی و از جمله دروغگویی را به عنوان اعمالی غیر مجاز، زشت و ناپسند در ذهن آنها ارزشیابی کند و همین امر به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در آنان مؤثر باشد.

خواست او جوابی بدهند. نگفتن راست به معنی جایگزین کردن دروغی به جای آن نباید باشد.

۳- بردباری در مقابل ناتوانیها و خطاهای کودک - کودکان در بسیاری مواقع اشتباه می‌کنند و یا به علت ناتوانی ممکن است قادر به برآوردن توقعات والدین و اطرافیان نباشند. در چنین مواقعی تحمل این وضعیت، فقدان توقع بیش از حد از کودک و به جای آن همراهی با او برای کسب مهارت‌های لازم و جبران اشتباهات، یک اقدام اساسی در جلوگیری از رشد روحیه دروغگویی در کودکان است.

۴- اعتماد کردن به کودک - یکی از اقدامات مفید در پیشگیری از دروغگویی، اعتماد کردن به کودکان در موارد مختلف است. این اعتماد به ویژه در مواقعی که کودک برای خطا و اشتباه خود توضیح می‌دهد، مفید و ضروری است. اعتماد و اطمینان دادن به کودک باعث می‌شود احساس تهدید و اضطراب در او کاهش یابد و